

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پرتو
۲۲ می ۲۰۱۶

مسئولیت جبران خسارت با کیست؟

در ۲۰ اپریل ۲۰۱۶، دادگاه عالی کانادا رأی صادر کرد مبنی بر این که لایحه شماره ۱۱۵ که در سال ۲۰۱۳ به تصویب دولت وقت رسیده و اجراء شده، غیر قانونی و خلاف قانون اساسی و منشور حقوق بشر کانادا بوده است. ولی در رأی دادگاه هیچ اشاره ای به جبران خسارات وارده نشده است. لایحه ۱۱۵ که به تصویب دولت انتاریو رسید حاوی بندهای زیر بود:

- ۱ - کاهش حقوق ۶۰ درصد معلمان.
 - ۲ - تنها ۳۰ درصد از معلمان، ۵۰ درصد از افزایش هزینه های آموزشهای تکمیلی را که قبلاً کامل پرداخت می شد دریافت خواهند کرد.
 - ۳ - عدم افزایش مطلق حقوقها حداقل برای دو سال
 - ۴ - در صورت تشخیص وزیر آموزش تمدید مدت لایحه برای یک سال و بیشتر از آن توسط هیأت دولت
 - ۵ - کاهش ترفیع شغلی سالانه به نصف میزان کنونی، با حقوق سالانه ۴۲,۰۰۰ دالر در سال برای معلمان تازه کار
 - ۶ - کاهش برخورداری از مرخصی استعلاجی از ۲۰ روز در سال به ۱۰ روز، معدل استفاده از مرخصی استعلاجی هم اکنون ۹ روز در سال است. قطع پاداش عدم استفاده مرخصی استعلاجی هنگام بازنگشتگی
 - ۷ - هیچ نهاد حقوقی، اجتماعی و یا قضائی نمی تواند در رد مواد لایحه ۱۱۵ اقدامی کند.
 - ۸ - دولت می تواند نهادهای دولتی داخل در موضوع حقوق کار را جهت اجرای لایحه فراخواند و آنان حق تغییر و یا ممانعت از اجرای لایحه را ندارند.
 - ۹ - هرگونه اعتصاب و یا فراخوان به اعتصاب و توقف کارهای غیر وظایف شغلی (ورک تو روول)، در طول اجرای این لایحه غیر قانونی است.
 - ۱۰ - تمامی اتحادیه های کارکنان آموزش و پرورش استان انتاریو می بایست تا پایان ۳۱ دسمبر ۲۰۱۲ قراردادهای خودشان را چه به صورت جمعی و یا مجزا منعقد کنند، در غیر اینصورت وزیر رأساً در ماه جنوری قرارداد را به آنها دیکته خواهد کرد.
- اتحادیه کارکنان دولت و آموزش و پرورش برای حفظ وجهه خود، پس از این که لایحه به تصویب رسید و به مرحله اجراء گذاشته شد، در پی یک سری نک و ناله های محزون، به جای این که با تکیه بر نیروی میلیونی اعضای خود،

مانع دستبرد حاکمیت به حقوق قانونی کارکنان شوند، اقدام به شکایت به مراجع قانونی کردند. کدام فرد با حداقل آگاهی است که نداند طی مراحل قانونی و دادگاهی و رسیدگی به شکایات از تصمیمات دولتی حداقل سه سال زمان می برد؟ آن هم نه برای جبران خسارت، بلکه فقط برای این که کشف کنند که لایحه ۱۱۵ خلاف قانون است؟ آیا این حقیقت اظهر من الشمس برای اتحادیه ها روشن نبود؟ البته که بوده و آنها به خوبی می دانسته اند که با توجه به زمانبندی دوساله لایحه ۱۱۵، تا زمان صدور حکم دادگاه، عملاً این برنامه به انجام خواهد رسید. معلمین و کارگران نماینده های اتحادیه را به عنوان حامیان خود پشت میز مذاکره با دولت فرستادند. این دو اتحادیه هم به عنوان دلسوزان سرمایه، به خواست دولت در باز پس گیری آنچه که کارگران در نتیجه مبارزات خود به دست آورده بودند، تن دادند. آنها که به قول خودشان ید طولائی در چانه زنی برای رضایت دو طرف در تعیین دستمزد دارند، در همان حصار تنگ چانه زنی نیز عقب نشینی کرده و حتی نخواستند شرایط کاری و مزایای موجود در آن وقت را حفظ کنند و نشان دادند که این حداقل انتظار را هم نمی توان از آنها داشت.

پس از گذشت سه سال، که دولت در این مورد به هدف خود رسید و تصمیم عملی شد. تازه دادگاه کشف کرد که این لایحه مخالف قانون اساسی است. اکنون این دو اتحادیه حرفهائی در مورد اقدام قانونی برای جبران خسارت زده اند. صرف نظر از این که تا چه اندازه این امر واقعیت داشته باشد، و تا چند سال دیگر این داستان در پیچ و خم های قانونی بخواد ادامه پیدا کند، باید پرسید چگونه می توان عواقب بار استرس و نگرانی های افزایش قیمت ارزاق و مسکن و ترس از بیکاری تحمیل شده بر دوش کارگران را محاسبه و جبران کرد؟ فشار تنگناهای معیشتی و شدت افزایش ساعات کار چه تأثیری بر خانواده ها گذاشته؟ فقر غذائی و شرایط دشوار زندگی خانواده های کم درآمد چه نتایجی بر روند رشد جسمانی و روانی کودکانشان گذاشته؟ چه کسانی و چگونه قرار است سختی و فرساینده گی شرایط تحمیل شده بر این بخش از نیروی کار را جبران کنند؟

اپریل ۲۲ / ۲۰۱۶